

HISTORY & FUTURE IN VIEW OF ISLAM

AN ANALYSE OF NOSTRADAMUS PREDICTIONS

تحلیلی بر
پیشگویی‌های
دوست‌زاداموس
تاریخ و آینده از دیدگاه اسلامی

تألیف: دکتر شرف‌الدین اعرجی • ترجمه: عباسعلی براتی



انتشارات علویون

مرکز بخش

تلفن: ۷۸۳۷۶۶۳ - ۷۸۳۱۹۹۹ (۰۲۵۱)

همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۹۶۸۱

پیشگویی های نوستر آداموس

تالیف: دکتر شرف الدین اعرجی

ترجمه: عباسعلی براتی

ناشران همکار: آشیانه مهر، آوای امید

شمارگان: هزار و پانصد نسخه

نوبت چاپ: چهارم

قطع و تعداد صفحات: رقعی - ۳۳۶

سال چاپ: زمستان ۹۰

چاپ: زنتر

صحافی: هاشمی

بهاء: ۷۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-90799-0-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۷۹۹-۰-۲

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است
هرگونه کپی برداری و عکس برداری با اجازه کتبی فقط از طرف ناشر مقدور می باشد

- پیشگفتار ۱۱
- تاریخ آینده ۱۱
- نوستر آداموس کیست؟ ۱۴
- مفاهیم مختلف آینده نگری ۱۸
- نوستر آداموس، چگونه به این پیشگوییها دست یافت؟ ۲۳
- خطوط کلی کتاب نوستر آداموس ۲۸
- چاپهای کهن این کتاب ۳۱
- شیوه بررسی در این کتاب ۳۲
- تاریخ ۳۴
- کشته شدن یک پادشاه فرانسوی ۳۷
- پیشگوییهای نوستر آداموس در زمینه انقلاب فرانسه ۴۱
- انقلاب فرانسه چه بود؟ ۴۱
- ۱- سقوط زندان باستیل روز ۱۴/۷/۱۷۸۹ ۴۳
- ۲- نامه‌ای بی امضاء ۴۵
- ۳- گیوتین سر پادشاه را جدا می‌کند ۴۶
- ۴- سی وارث ۴۷
- ۵- قاتل کشته می‌شود ۴۹
- سرهایی از شمع ۵۰
- پیشگوییهای نوستر آداموس درباره ناپلئون بناپارت ۵۳
- ناپلئون بناپارت کیست؟ ۵۳
- ۱- پایان کار انقلابیون به دست ناپلئون ۵۵
- ۲- ستاره او می‌درخشد ۵۶
- ۳- پادشاهی با لقب تازه ۵۷
- ۴- مرگ قصاب ۵۹
- ۵- نام ترس آور او ۶۰

- ۶۳ ۶- بازگشت او پس از تبعید.
- ۶۴ ۷- واترلو پس از صد روز.
- ۶۶ ۸- تبعیدگاه آخرین او.
- ۶۷ ۹- نبرد [ترافالگار = Trafalgar] یا (الطرف الاغر)
- ۷۱ پیشگوییهای نوستر آداموس دربارهٔ بریتانیای بزرگ
- ۷۵ پیشگوییهای نوستر آداموس دربارهٔ ژنرال (فرانکو) اسپانیایی
- ۷۸ ۱- زادگاه و فرمانروایی او.
- ۷۹ معرفی ژنرال فرانکو
- ۸۲ ۲- نام فرانکو به طور دقیق
- ۸۵ پیشگوییهای نوستر آداموس دربارهٔ جنگ جهانی دوم
- ۸۹ پیشگوییهای نوستر آداموس دربارهٔ هیتلر
- ۸۹ معرفی هیتلر
- ۹۱ ۱- زادگاه او.
- ۹۳ ۲- مکتب نازیسم.
- ۹۴ ۳- بت پرستی نوین.
- ۹۵ ۴- اسم هیتلر به طور تقریبی.
- ۹۷ ۵- ویژگیهای زندگی هیتلر.
- ۹۸ ۶- رهبر رایش قصاب.
- ۱۰۰ ۷- کوره‌های آدم سوزی
- ۱۰۳ پیشگوییهای نوستر آداموس دربارهٔ قارهٔ آسیا
- ۱۰۳ ترکیه و مصطفی آتاتورک.
- ۱۰۶ گروه هرمس در روسیه.
- ۱۰۸ فلسطین.
- ۱۰۸ شهرکهای یهودی نشین (کیبوتص‌ها)
- ۱۱۰ جنگهای شش روزه سال ۱۹۶۷.

۱۱۰	اشغال جولان و کرانه غربی و نوار غزه
۱۱۲	ایران
۱۱۲	۱- انقلاب اسلامی در ایران و امام خمینی
۱۱۴	۲- نقش روحانیون در ایران
۱۱۶	۳- جنگ بر ضد ایران
۱۱۹	عراق
۱۱۹	۱- طاغوت پست
۱۱۹	گوشه‌ای از زندگی صدام حسین
۱۲۴	۲- حزب بعث عربی سوسیالیستی و جنگ عراق و سوریه
۱۲۹	۳- حمله کشورهای متحد به صدام
۱۳۳	جنگ سرد
۱۳۵	آینده
۱۳۷	صدام حسین
۱۴۱	طاغوتی از میان برداشته می‌شود
۱۴۵	دجال یا مسیح دروغین [Antichrist]
۱۵۳	سیستم پولی و توژم
۱۵۹	اقتصاد دزدان
۱۶۵	چیرگی غرب
۱۷۱	ضعف شرق و غرب
۱۷۵	اوضاع جهان
۱۷۹	صلح پس از جنگ
۱۸۳	مدت پیمان
۱۸۷	فرانسه و محمدیان
۱۸۹	ستاره دنباله دار و سه رهبر
۱۹۱	جامعه عرب

- کشورهای عربی در شیوه خود تجدیدنظر می‌کنند ۱۹۷
- یک شخصیت بزرگ عرب ۲۰۱
- رهبر نیرومند عرب ۲۰۵
- اسماعیلی بزرگ ۲۰۹
- مردی بزرگ از آسیا ۲۱۷
- ولی چه هنگام؟ ۲۱۹
- ترس نوع بشر ۲۲۷
- دل‌کارتاز ۲۳۵
- مرد خاور ۲۴۱
- رهبر وحشت‌آفرین جدید ۲۴۳
- چند هشدار ۲۴۷
- زمان دگرگون می‌شود ۲۵۱
- دلی که رحم نمی‌شناسد ۲۵۷
- تجمع پس از تجمع ۲۶۱
- تحولاتی پس از یک قرن طولانی ۲۶۳
- خورشید مشرق ۲۶۷
- اوضاع جهان درگیر و دار جنگ بزرگ ۲۷۱
- حمله دریایی ۲۷۱
- مدار ۴۵ درجه ۲۷۴
- شهر جدید ۲۷۷
- گرما و خشکسالی و جنگ ۲۸۰
- اروپا در جنگال شمشیر ۲۸۷
- مهاجرت و غارت ۲۹۱
- پاریس متروک و حمله به بریتانیا ۲۹۳
- مردم عراق خشمگین هستند ۲۹۷

۳۰۷	خلیج عربی (خلیج فارس)
۳۱۱	تونس و الجزائر و ایران
۳۱۵	ایران یورش می آورد
۳۱۶	سپاهیان ایرانی
۳۱۹	فرمانروایی فراگیر اسلامی
۳۲۳	نقش یهودیان و سرنوشت آنان
۳۲۳	اندکی از تاریخ بنی اسرائیل و یهودیان
۳۲۷	۱- طوفان یهودی
۳۲۹	۲- ایمان کارناژی و استر (فاطر)
۳۳۲	۳- برپایی دولت اسرائیل و سرنوشتی آن
۳۳۴	۴- تشکیلات یهود فرو می ریزد
۳۳۶	منابع

پیشگفتار

تاریخ آینده

ما در روزگار حساسی و تعیین کننده‌ای از تاریخ حاور میانه و جهان اسلام، بلکه جهان بشریت، به سر می‌بریم، در این کتاب کوشیده‌ایم این دوره از تاریخ جهان را که با احتمالات و ظرفیتهای نسبت به آینده نزدیک و روز بسیار مهم است، بررسی کنیم، برخورد ما با آن، از زاویه‌ای است که تا اندازه‌ای تازگی و بیشتر جدیت در آن دیده می‌شود، تازگی این دیدگاه، به دلیل این است که اینها پیشگوییهای کسی است که در قرن شانزدهم (۱۵۰۳ - ۱۵۶۶) می‌زیسته و از چهار قرن پیش آنچه را امروز روی می‌دهد، دیده است.

و پیشگویبهای او در بسیاری از رویدادها درست درآمده است و درستی آنها با بررسی رویدادهای تاریخی گذشته، که اتفاق افتاده و او پیشتر از وقوع آنها خبر داده، روشن می شود (چنانکه توضیح می دهیم)، این مرد، مایکل دی نوستر آداموس، است، هر چند بیشتر با نام اخیرش نوستر آداموس شهرت دارد. او پیشگویبهای خود را در ده بخش انجام داده و هر یک را به نام یکی از قرنهای نامیده، پس از ده قرن تشکیل می شود.

ولی این قرنها با قرنهای معمولی که صد سال دارند، ارتباطی ندارد، ولی چون هر یک از ده بند تشکیل می شده هر یک را «القرن» نامیده (تنها بخش هفتم آن ۴۲ بند است، و به دلیل نامعلوم آن را به صد نرسانده است). این بخشها را به صورت چهار بیتی و شعر رباعی در آورده است، هر بندی یک رباعی شعری است که زبان ویژه، و یگانه‌ای دارد که آمیزه‌ای از لاتین و یونانی و پروانسی (یکی از استانهای فرانسه) و فرانسوی و ایتالیایی و اسپانیایی است. برخی می گویند این زبان فرانسوی باستانی است که به ریشه‌های لاتین و یونانی خود نزدیکتر است.

نخستین چاپ این کتاب (تشکیل شده از قرنها) در زمان زندگی نویسنده یعنی در سال ۱۵۵۵ به بازار آمد ولی همه ده بخش را نداشت و تنها سه بخش (قرن) اول و نیمی از بخش چهارم را داشت، ده بخش این مجموعه به طور کامل، دو سال پس از مرگ او یعنی در سال ۱۵۶۸، انجام گرفت. من در این ترجمه بر ترجمه‌های انگلیسی از کتاب اصلی، و به زبان اصلی که در سال ۱۵۶۸ چاپ شده، تکیه کرده‌ام.

از کنار رباعیاتی که به صورت شعر تنظیم شده، کتاب قرون برخی از اعلامیه‌ها و شش بندیهای شعری پراکنده و دو نامه مهم که نوستر آداموس یکی را برای پسرش (سزار) و دیگری را برای پادشاه فرانسه هنری (دوم) فرستاده است.

پیشگوییهای نوستر آداموس، از هنگام صدور تا به امروز برای اروپاییان شناخته شده است، این کتاب، از زمانهای دور تا کنون پیوسته در حال چاپ و نشر بوده، خواه در زمانی که کتاب یک وسیله تشریفاتی بود و تنها ثروتمندان می توانستند آن را داشته باشند، و خواه امروز، هر چند خوانندگان عزیز، نسبت به شهرت این نویسنده، در محافل اروپایی، کمتر با او آشنا هستند.

این پیشگوییهای از دیرباز برای اهداف سیاسی و نظامی کار گرفته شده است، در جنگ جهانی دوم، همسر گوبلز (یکی از یاران بزرگ هیتلر)^(۱) در سال ۱۹۳۶، کتاب را کشف کرد، و به همسرش نشان داد و نقش ارزنده تبلیغاتی آن را یادآور شد. و با هماهنگی وزارت تبلیغاتی هیتلر، کارها را سازمان دادند و یک ستاره شناس سوسیسی به نام «رنست کرافت»، مأمور شد که رباعیات و بندهای سودمند آن را از نظر تبلیغاتی جدا کند، تا برای جنگ روانی و زمینه سازی ذهنی در مردم برای اشغال اروپا به کار گرفته شوند.

از ماه مه سال ۱۹۴۰، با هواپیما اعلامیه هایی بر روی مردم فرانسه

و کشورهای دیگر ریخته می‌شد و در آنها پیشگوییهای نوستر آداموس را برای اهداف خویش به کار می‌گرفتند. سازمان اطلاعاتی انگلیس نیز در زمان چرچیل بیکار ننشست و در برابر این پیروزی بزرگ تبلیغاتی نازیها، به نوبه خود پیشگوییهای نوستر آداموس را برای یک حمله تبلیغاتی متقابل به کار گرفت و اطلاعاتی‌های آنان نیز با هواپیما بر روی مردم فرانسه و بلژیک ریخته می‌شد، هر چند این عکس العمل آنها دیر، و در سال ۱۹۴۲ انجام شد و دست کم ۸۰/۰۰۰ پوند که در آن زمان مبلغ هنگفتی بود، و بریتانیا نیز در آن زمان در فقر و کمبود شدید اقتصادی به سر می‌برد، برای این منظور صرف شد.

در برابر، کتابی درباره این پیشگوییها در فرانسه، منتشر شد و برخی از بندها و رباعیات آن را که درباره شکست هیتلر بود، شرح و تحلیل کرده بود گشتاپو (پلیس مخفی نازیها) کتاب را مصادره و لوحه‌های سربی چاپ کتاب را نیز در سال ۱۹۴۴ ذوب و نابود کرد.

نوستر آداموس کیست؟

نوستر آداموس (مایکل دی نوستر آداموس) در استان پروانس = *Provance*] در جنوب فرانسه به دنیا آمد. روز تولد او ۱۴ دسامبر ۱۵۰۳، و خودش یک مسیحی کاتولیک بود. می‌گویند پدران و نیاکانش یهودی بوده‌اند، ولی اثبات این ادعا کار آسانی نیست. جد پدری او، که بازرگان غلات بود، با یک دختر مسیحی ازدواج کرد. پسرش پدر نوستر آداموس نیز با یک دختر مسیحی کاتولیک ازدواج کرد. آنان مدعی هستند که این

مرد، هنگامی که نخستین پپرش مایکل دی نوستر آداموس به نه سالگی رسید، مسیحی شد. نوستر آداموس چهار برادر دیگر نیز داشت، که از او بزرگتر بودند، پدر بزرگش به تربیت و تعلیم او پرداخت، تا اندازه‌ای ریاضیات و نجوم، و نیز زبانهای لاتین و یونانی را به او آموخت. هنگامی که پدر بزرگ، درگذشت، نوستر آداموس جوان، به خانه پدری خود بازگشت و به تحصیل ادامه داد.

در سال ۱۵۲۲، پدر و مادرش او را به دانشکدهٔ /مون پلِیه = *Mont Pellier* فرستادند تا پزشکی بخواند، در این هنگام ۱۹ سال داشت، سه سال بعد، لیسانس خود را گرفت و به کار پزشکی پرداخت. در این هنگام، وبای طاعون به فرانسه به ویژه جنوب آن یورش آورده بود، نوستر آداموس پزشک مشهوری شد، زیرا از رویارویی با بیماران وبایی ترسی به خود راه نمی‌داد، در حالی که دیگران، از ترس واگیر بیماری از آنان فرار می‌کردند، او نسخهٔ ویژه‌ای برای بیماران وبایی اختراع کرده بود که او را به توانایی در معالجه آن مشهور ساخت (در سال ۱۵۵۲ کتابی در طب نوشت و تعدادی از روشهای خود را برای معالجه طاعون در آن آورد). در چهار سال بعد، میان شهرهای مختلف فرانسه و ایتالیا رفت و آمد می‌کرد و کتابهایی دربارهٔ جادو و ستاره‌شناسی، به دست آورد، سپس به دانشکدهٔ پزشکی در «مون پلِیه» بازگشت تا اینکه در سال ۱۵۲۹ دکترای خود را گرفت، در این دوره مشهور بود که او گرایشهای ویژه‌ای در درمان بیماران دارد که بر خلاف روش رایج است، به ویژه که او حجامت و خون‌گیری را به عنوان درمان به کار می‌برد.

پس از گرفتن مدرک دکترادر سال ۱۵۲۹، در شهر [آجین= Agen] در فرانسه ماندگار شد، و با دختری ازدواج کرد و از او دارای یک پسر و یک دختر شد، دوباره موج جدیدی از طاعون به منطقه زندگی او هجوم آورد، و دو فرزند و همسرش در گذشتند و از آنجا که نتوانست آنها را نجات دهد، این فاجعه‌ای برای او و کار او در آنجا بود، گرفتاری او زمانی بیشتر شد که پدر و مادر همسرش یک شکایت رسمی بر علیه او به دادگاه بردند، و از او خواستند که مهریهٔ دخترشان را به آنان بپردازد، مشکلات او به همین جا ختم نشد، بلکه دادگاه‌های تفتیش عقاید که زیر نفوذ کلیسای کاتولیک آن زمان بودند، با فرمانی از او خواستند که در شهر [تولو= Toulouse] در فرانسه، به اتهام کفر در برابر آنان حاضر شود، این تهمت در آن زمان بسیار خطرناک بود، و علت آن این بود که در برابر یکی از کسانی که مجسمهٔ مریم باکره را می‌ساختند؛ ایستاده بود، و به او گفته بود: «تو فقط شیطانهایی چند درست می‌کنی!» گزارش سخن او را به مقامات کلیسا دادند، و آنان دستور دادند، که او به این اتهام در دادگاه حاضر شود، و از این فرمان خودداری کرده زیرا می‌ترسید به محکومیتش بیانجامد، و او را زندانی و سپس اعدام کنند، پس از شهر خود گریخت، و پنهانی به سیر و سفر پرداخت و در سال ۱۵۴۴ به شهر [سالون= Salon] در فرانسه رسید. در آنجا با یک بیوهٔ ثروتمند ازدواج کرد و از او صاحب چند فرزند شد، و بازماندهٔ عمر خود را در این شهر و در خانه‌ای به سر برد که تا امروز وجود دارد. اتاق فوقانی خانه را برای مطالعه و کار نجوم و جادوگری و سیر و سلوک انتخاب کرد. او بعدها این کتابها را سوزاند؛ و داستان آن خواهد آمد. برخی بر این باورند که مهمترین الهام بخش او کتابی به نام رازهای مصر

[*de Mysteries Agyotorum*] بوده است او در این اتاق از سال ۱۵۴۷ پیشگوییهای خود را آغاز کرد و برای نخستین بار آن را در سال ۱۵۵۵ منتشر ساخت، هنوز این پیشگوییها کامل نشده بود، و شامل سه قرن (فصل) و نیمی از قرن چهارم می شد. چنانکه بیش از این گفته شد. آوازه او همه جا پیچید و به گوش همسر پادشاه فرانسه (کاترین دی مندیس) رسید، او فرستاد تا او را در دربار آورند و اسبانی نیز برای سفر او تهیه کرد، این سفر یک ماه طول کشید (با اینکه بدون این وسایل باید دو ماه به طول می کشید). وقتی آمد، او و پادشاه به دیدارش شتافتند و پاداش کوچکی نیز به وی دادند. او دو هفته نزد آنها ماند و سپس به شهر سالون بازگشت. دیدار دیگری نیز از دربار پادشاه فرانسه داشت که در آن مدت بیشتری ماند. کلیسا تحقیقات خود را درباره اینکه آیا او جادوگری می کند یا نه دنبال می کرد، و همین سبب شد که او برای بار دوم مخفی شود، و در خانه بنشیند و از جامعه کناره گیری نماید. از این پس او دچار بیماری مفاصل شد که به «نقرس» شهرت یافت. او در این دوره به طالع بینی دوستانی که به دیدارش می آمدند، پرداخت، به ویژه این کار را برای ثروتمندان انجام می داد. گفتنی است که علم «نجوم» در این دوره به اوج خود رسیده بود.

در سال ۱۵۶۴ همسر پادشاه، کاترین تصمیم گرفت که با خانواده اش به دیدار رسمی از سراسر کشور فرانسه بپردازد. این دیدار دو سال طول کشید و از جمله ایستگاههای او، یکی هم، خانه نوستر آداموس در شهر سالون بود. او در اینجا با پسرانش به دیدار وی شتافت و با هم سر یک سفره غذا خوردند.

در روز ۱۵۶۶/۷/۲، نوستر آداموس درگذشت و جنازه او را بیرون بردند، ولی یکبار دیگر استخوانهای باقیمانده او را در کلیسای /سن لورن = /St.Laurent در شهر سالون دفن کردند، و تا کنون نیز قبر او در آنجاست و علامتی بر روی آن نهاده‌اند.

مفاهیم مختلف آینده نگری

ما به عنوان موجودات بشری، بیشتر در زمان آینده به سر می‌بریم، و زمان حال ما، بیشتر از پی بینش ما از آینده حرکت می‌کند، و موجود انسانی، پیوسته، در راه پیاده کردن اهدافی است که برای آینده تصور می‌کند، و هر چه برداشت ما از اهداف آینده روشنتر باشد و جزئیات آن بهتر معین باشد، و هر چه همت و اراده و پافشاری ما سخت‌تر باشد، پیاده شدن این هدفها و خواسته‌ها عملی‌تر و ممکن‌تر خواهد بود همچنین ما در گامهای مهم زندگی خویش، می‌کوشیم امکانات آینده و احتمالات قابل پیش بینی را در صورت اجرای هر سیاست و انجام هر کار بشناسیم و اگر به هر دلیلی، همراه با خطر باشد، آن را رها می‌کنیم، و اگر امکان موفقیت و خوشبختی در آن فراوان باشد، آن را عملی می‌سازیم و مسئولیت آن را می‌پذیریم، چیزی که در این راه ما انسانها را کمک می‌کند، این است که هر آنچه در اطراف ما می‌گذرد، پیوسته بر پایه قوانین و نظامهایی صورت می‌گیرد، و همیشه رابطه قانونی و پیوند علت و معلولی و مقدمه و ذی المقدمه است که در حد بالایی به انسان، توانایی چیرگی بر طبیعت و محیط را می‌دهد، و دست آنها را در تأثیر گذاری دلخواه بر این علت یا آن علت باز می‌گذارد.

این مسأله بخشی از ساختمان وجود ما انسانها است، و همه ما به اندازه‌های گوناگون، بسته به بزرگی و کوچکی همت خویش، آن را انجام می‌دهیم. ولی یک نوع آینده‌نگری دیگر نیز هست که ما در این کتاب، در پی آن هستیم، و آن، پیش‌بینی حوادثی است که ده سال یا صد سال دیگر روی می‌دهد، و این قدرتی است که وجود آن، به اندازه‌های مختلف در برخی انسانها، ثابت شده، و به نظر می‌رسد که تا اندازه‌ای به یک نیروی دیگر به نام روشن‌بینی [Clairvoyance] نزدیک است. گفته می‌شود که هنر روشن‌بینی نزد همه ما هست، ولی تنها در برخی انسانها رشد می‌کند، و به علل ناشناخته‌ای در دیگران به گونه نارس، باقی می‌ماند.

روشن‌بینی، همان احساسی حوادثی است که در فاصله‌های دور و نزدیک روی می‌دهد، و دریافت آنها به کمک حواس شناخته شده انجام می‌گیرد، گاه دریافت آنها درست در همان لحظه وقوع، و گاه پیش از رویداد آن، به مدت یک روز یا دو روز یا بیشتر انجام می‌گیرد. بسیار دیده شده که برخی از مردم، به طور ناگهانی، احساس یا جرقه‌ای از آنچه دور از آنها رخ داده برایشان پیدا می‌شود (مثلاً پیشامدی که برای یکی از بستگان یا دوستانشان رخ می‌دهد)، و گاه این احساس و دریافت ناگهانی، به گونه خواب، یا رؤیایی است که میان خواب و بیداری پیش می‌آید، و یا گاه یک احساس بدیهی اولیه است.

این نیز به نوبه خود مانند هنر [تله پاتی = Telepathy] یا توانایی ارتباط از دور است و به دیگر سخن هر دو از یک ریشه هستند و از یک توانایی خداداد سرچشمه می‌گیرند، تنها تفاوت میان آن دو این است که

«تله پاتی» یا ارتباط از راه دور، تنها انتقال یک عقیده یا تصویر از شخصی به شخص دیگر است، یعنی توانایی گرفتن چیزی است که در ذهن دیگران می‌گذرد، ولی روشن بینی [Chairvoyance] دریافت مستقیم حادثه‌ای است که در جایی دیگر رخ داده است. از سال ۱۹۳۰ تا کنون آزمایشهایی چند انجام گرفته که ثابت می‌کند روشن بینی یک توانایی موجود در انسان است و نشان می‌دهد که روشن بینی و تله پاتی، به طور ریشه‌ای عبارتند از یک امکان اولی، یک شناخت برتر از حس، از رویدادها یا حالت‌های خاص و دومی، دریافت حالت‌های فکری و روانی با تصویری در دیگران است، چنانکه گفته شد. از این آزمایشها دانسته می‌شود که این توانایی، به گونه‌ای گسترده در افراد بشر وجود دارد و عواملی نیز کشف شده که می‌تواند آن را نیرومند یا ناتوان سازد. از جمله عوامل ضعیف کننده آن: خستگی، سرگرمی ذهن، ورمیدگی آن، به کار بردن مواد مخدر، و مست کننده‌ها است، و از جمله عواملی که آن را نیرومند می‌سازد، پاداش دادن صاحب آن، و همکاری با او در شرایط آزمایشی مناسب است.

همچنین ماهیت و چگونگی شخصیت و روانشناسی ویژه‌ای که می‌تواند نشانه وجود چنین قدرتی باشد، هنوز ناشناخته مانده است.

روشن است که مادر اینجا از قدرت و هنری سخن می‌گوییم که از پیش بینی منطقی و عقلی جداست، این گونه پیش بینی را اندیشمندان در طول تاریخ، در زمینه‌های علمی و سیاسی و اجتماعی، انجام داده‌اند، و از این دست درگذشته نزدیک رمان نویس نامدار اچ.ج. ویلر (در گذشته به سال ۱۹۴۶ م) مشهور است، او تصورات خود را درباره آینده در طول پنجاه

سال زندگی خویش نوشته است، و در آنجا ساختِ زیردریایی و سفینه فضایی و رسیدن انسان به ماه را پیش بینی کرده است، چنانکه رمان نویس دیگری به نام «جرج اُورول»، به ویژه در رمانی که نام آن (۱۹۸۴) است و در سال ۱۹۴۳ نوشته شده، بسیاری از تصورات خود را از آینده جهان در سالهای دهه هشتاد و مسائل دیگر آورده است.

چنانکه گفتیم بررسیهای فراوانی در دهه‌های اخیر دربارهٔ این موضوع و تحلیل این پدیده صورت گرفته و از آن گذشته، برخی از آنها که این نعمت خداداد را داشته‌اند درباره تجربه خود آنچه را در حال پیش بینی این حوادث بر ایشان رخ می‌داده را نیز به نگارش درآورده‌اند.

چکیده آنچه آنها نوشته‌اند این است که آگاهی روشن بین و شخصیت او، به دو بخش تقسیم می‌شود، بخشی در بدن او باقی می‌ماند و بخشی بالا می‌رود، این بخش دوم، همان توانایی روشن بینی و پی بردن به واقعیات جهان خارج از ذهن به گونه‌ای گسترده‌تر و ژرف‌تر و نزدیکتر به سرچشمه شناخت است. او در همان حال احساس می‌کند که هر دو بخش به او باز می‌گردند، و هر دو از «من» او هستند. از جمله حالاتی که این آگاهی دوم فرا از این دارد این است که به حالاتی می‌رسد که در آن، زمان و مکان برای او یک چیز یکپارچه می‌شود و او احساس می‌کند که «از بعد زمانی در یک فضای باز شناور است» چنانکه برخی از همین افراد بیان کرده‌اند، او احساس می‌کند که می‌تواند پهنه زمانی گسترده‌تری را نسبت به زمان حال ببیند. این، ما را و او می‌دارد که به نظریه‌ای برسیم که می‌کوشد معنای زمان و ماهیت ادراک ما از آن را دریابد، و می‌گوید: زمان آن گونه که به نظر

می‌رسد یک رشتهٔ پیاپی از نقطه‌ها نیست، که ثانیه به ثانیه از پی هم می‌آیند، بلکه در یک پهنهٔ گسترده، کشیده شده و گذشته و حال و آینده به شکل موازی در آن حضور دارند، و این آگاهی ماست که میان این درجات در حال آمد و شد هستند، ما زمان حال را اینگونه می‌فهمیم که همین لحظه‌ای است که در آن به سر می‌بریم و از آگاهی و بیداری در برابر جهان بیرون و درون برخورداریم، و همین ثانیه‌ای است که پس از ثانیهٔ دیگری از هم اکنون، گذشته خواهد بود، ولی بر پایهٔ این نظریه، آنچه را که ما زمان حال می‌دانیم، به اندازهٔ بسیاری در خواب گسترده و کشیده خواهد شد، تا آنجا که پهنهٔ آن ماهها یا سالها از آنچه گذشته و آینده و حال خوانده می‌شود، در برگیرد. و از این رو رؤیاها و خوابهایی که انسان خوابیده می‌بیند، نزد بسیاری، در بازنمایی آینده نقش دارد. بر پایهٔ این نظریه آگاهی ما به زمان حال و فهم ما از آن به عنوان یک نقطه تا یک لحظه، جز توجه ما به این لحظه نیست. این توجه برخاسته از ماهیت زندگی ماست که ما را وامی‌دارد این عمل فرا فکنی را که عادت دستگاه عصبی ما شده انجام دهیم و هر چیز دیگری را به جز این لحظهٔ حاضر، به دور افکنیم.

روشن است که این سخنان نمی‌تواند، تفسیری برای این پدیده باشد، بلکه تنها تحلیل و توصیف آن است، و این پدیده نیز همانند اندیشه و خرد و احساس، حل نشده، و معمایی ناگشوده باقی می‌ماند. ما زمانی که می‌گوییم «ادارک» و «اندیشه»، «ارزشیابی» دربارهٔ چیزهایی سخن می‌گوییم که نزد ما هستند و نشانه‌های هستی ما شمرده می‌شوند، ولی حقیقت آنها و ماهیتشان را نمی‌شناسیم. اندیشه، خود نمی‌داند اندیشه

چیست، و فهم، خود نمی فهمد که فهم چیست و ادراک، نمی تواند پی ببرد که ادراک چیست؟ و خرد نمی یابد که خرد چیست؟ و اینها چیزهایی هستند که هستیشان، خود کار آنهاست و اگر انسان بخواهد آنها را بشناسد، می بیند که تا مرغ اندیشه برگرد آنها به پرواز درآید، خود را پنهان می کنند یا کالبدی بی جان از خود بر جای می گذارند که از شکافتن آن چیزی به دست نمی آید. اینها نیروهایی هستند که عملاً وجود دارند، ولی در همان هنگام، از شناخته شدن می گریزند و به راستی ناگشوده‌های ناشناخته هستند.

نوستر آداموس چگونه به این پیشگوییها دست یافت؟ از خودش بشنویم:

بهتر است به سخنان خود نوستر آداموس در این زمینه توجه کنیم، او درباره چگونگی رسیدن به این پیشگوییها و روش خود در این باره سخن می گوید. و در نخستین دو بیت کتابش (قرون) و نیز در سخنان خود، به پسرش قیصر در نامه‌ای که به او نوشته و پیش در آمد این پیشگوییها شمرده می شود، از این مقوله سخن گفته است. این نامه بیشتر، راهنماییهای برای اوست و گویا او را برای اینگونه فعالیت‌های روحی آماده می سازد. او نخست می گوید: اینها یک نور خدایی هستند که روشنی بخش راه کسانی می شوند که به این کار می پردازند، و دیگر اینکه بخشش و لطف خدایند، و سوم آنکه بررسی و شناسایی ستارگان و گردش آنها و محاسبه و بهره گیری از آنها هستند.

او به گونه‌ای پنهان به بعد چهارمی نیز اشاره می‌کند که آن کاربرد سحر و جادو و علوم غریبه [Occult] و پرداختن به آنهاست، که حکمای پیشین در مصر و بابل و یونان آن را بسیار به پیش برده بودند، او به پسرش خبر می‌دهد که کتابهای بسیاری در این رشته‌ها داشته و همه آنها را سوزانده است. بسیاری از کسانی که درباره شخصیت این مرد مطالعه کرده‌اند، دریافته‌اند که او شمار بسیاری از این کتابها را داشته است. او هنگامی که (در متن یاد شده در زیر) به پسرش می‌گوید: از پرداختن به سحر و جادو که در کتاب مقدس نکوهش شده، خودداری کند، گویا تصریح می‌کند که خود، از این فن بهره داشته است، نکته دیگری را نیز می‌فهماند و آن اینکه، برخی از انواع سحر، حلال و خوب است ولی او می‌ترسد که این دانشها به دست کسانی بیفتد که از آن استفاده نادرست کنند یا دچار اشتباه شوند، و به همین جهت، تر و خشک را با هم سوزانده تا از آنها رهایی یابد.

نوستر آداموس، در نامه خود به پسرش سزار می‌نویسد:

«پیش از هر چیز از سحر نادرست و ناخوشایند که کتاب مقدس آن را نکوهش کرده پرهیز و تنها به کار ستاره‌شناسی و نجوم که حلال است سرگرم باش، زیرا من با آن توانستم به کمک کشف و وحی و حسابهای پیایی، پیشگوییهای خود را ترتیب دهم و از بیم آنکه مبدا فلسفه این علوم غریبه، محکوم گردد و نسبتهای بدی به آنها داده شود، من نخواستم که محتوای ترس آور و هولناک آنها، روشن و آشکار شود. همچنین از ترس آنکه این کتابها که

قرنها پنهان مانده بودند، آشکار شوند، و زیبایی از خواندن آنها پدید آید، من آنها را سوزاندم و به خاکستر تبدیل کردم تا کسی خواهش پرداختن به اینکارهای جادوگرانه و پنهانی را نکند و در پی تبدیل فلزات پست به فلزات گران بها [Transmutation] بر نیاید. ولی در زمینهٔ پیش و شناختی که از ستاره‌شناسی و رصد کردن نجوم به دست می‌آید، می‌خواهم تو را آگاه کنم که: با پرهیز از هر پنداری که از هوی و هوس برخیزد، تو از راه تشخیص درست می‌توانی آینده را پیش بینی کنی، به شرط آنکه پیوسته نام جایگاههایی را که با چینش ستارگان تناسب دارد، در نظر داشته باشی، و از الهام نیز بهره‌گیری، زیرا این جایها و هیئتها، ویژگیهای نهفته را به دست می‌دهند، یعنی نیرویی که با آن گذشته و حال و آینده را مانند ابدیت می‌توانی دریایی و با آشکار شدن همهٔ آنها، تو می‌توانی آنها را یکجا داشته باشی».

از این سخنان اخیر، به یاد تجربهٔ برخی از روشن بینان اخیر می‌افتیم که به چنین نعمت خدا داده‌ای رسیده بود و آینده (یا گذشته‌ای ناشناخته) در نظرش آشکار شده بود. آنها چنانکه گفته‌اند به حالتی می‌رسند که آگاهی آنها به پهنهٔ گسترده‌تری از زمان گسترش می‌یابد و گذشته و حال و آینده را در بر می‌گیرد.

نوستر آداموس در جایی دیگری از نامه‌اش، به فرزند خود می‌گوید:

«دو پایهٔ اصلی، اندیشهٔ پیشگویان را تشکیل می‌دهند. نخست:

هنگامی که روشنایی روان آن شخص را فرا می‌گیرد و او با دانش نجوم پیشگویی می‌کند و از خود نورافشانی می‌نماید و دوم: آنکه می‌تواند از راه پیشگویی به کمک الهام که تنها بخشی از بخشهای بی پایان خداست، و چون این پیشگو می‌خواهد به کمک این نیروی خدا داده و بزرگی خدا و این بخشش طبیعی چیزی را ببیند، می‌یابد که آنچه پیشگویی می‌کند واقعیت است، و از یک سرچشمه ابدی می‌آید، و چنین نور یا زبانه آتش کوچک چنان اثر بزرگی دارد که از خود طبیعت کمتر آشکار نیست».

او کتاب خود «پیشگوییها» را با یک دو بیتتی آغاز می‌کند که در آنها خود را به عنوان کسی که این مراسم و آیینها را انجام داده و توان خویش را بالا برده و افقهای آینده در برابر چشمانش گشوده شده معرفی می‌کند. دو بیتتی نخست از قرن اول چنین می‌گوید:

«شبانگاه به تنهایی در کتابخانه پنهانی نشسته

آن از مس است و بر یک سه پایه نهاده

شعله‌ای کوچک از یک سوراخ بیرون می‌آید

و کسی که نباید بیهوده سخن او را پذیرفت، به پیروزی دست

می‌یابد

چوب بلند یا دست در میان سه پایه نهاده می‌شود

و قطراتی آب بر دامن جامه و پاهای خویش می‌باشد

آوایی! ترسی! او در جامه خویش می‌لرزد

درخششی خدایی، پروردگار در جایی نزدیک او نشسته است».

در این دو بیتی، برخی از نشانه‌های پرداختن به سحر و جادو آشکار است. شب هنگام است. نوستر آداموس تنها در اتاق مطالعات خود نشسته، در برابر او ظرفی مسین قرار دارد که پر از آب است و بر یک سه پایه کوچک نهاده شده. پیشگو در آب می‌نگرد تا آنجا که می‌بیند آب تیره شد و بخار گشت و آینده اندک اندک پدیدار شد. او را خیس می‌کند و از آن آب پرگوشه لباس و پاهایش می‌پاشد. از نیرویی که در درونش هست، اندکی احساس ترس می‌کند. صدایی می‌شنود و درخشش خدایی را می‌بیند، و آنچه را در حالت کشف و الهام دیده می‌نویسد.

من معتقدم که دیگر تصویر آشکاری از کار نوستر آداموس به دست ما آمده است. او طالع بین و پیشگو و منجم و جادوگر است و علوم غریبه دیگری [Occult] را نیز می‌داند که در نظر کلیسای کاتولیک که بر اندیشه‌ها و سیاستهای زمان او حاکم بوده، حلال شمرده می‌شده‌اند. نجوم، یک کار معمولی بود، و دربار هیچ یک از پادشاهان از منجمی که مشاور پادشاه در کار جنگ و صلح باشد؛ خالی نبود. پادشاهان در امور اداری و کشوری و همچنین در زندگی خصوصی خود، با آنان مشورت می‌کردند، ولی برخی از دانشها و کارهای نوستر آداموس به شدت تحریم شده و مورد کیفر قرار می‌گرفتند و حتی مرتکبان و صاحبان آنها را زنده زنده می‌سوزاندند. از جمله این کارها جادوگری بود. به همین سبب نوستر آداموس، به شدت از آن می‌ترسید و از این رو کتاب خود را چنین مبهم و پیچیده نوشته و نثر آن بسیار آشفته و بدون تسلسل زمانی ویژه است. او خود در نامه‌اش به سزار فرزند خود، این نکته را آورده و در جایی از این

نامه به او می‌گوید: او پیچیده نویسی و گمراه سازی را به جای روشن نویسی و صراحت به کار گرفته تا راه را بر پادشاهان و زورمندان ببندد و آنها نتوانند به او آسیبی برسانند. او می‌ترسید که به جادوگری متهم گردد، و او را به آتش بسوزانند و همچنین دستاوردهای او که ما اکنون در پی آنیم، از میان برود. به همین سبب، بیشتر گفتارهای او پیچده و نامفهوم و دارای رمزها و معماهایی هستند و تاریخ معینی را برای هیچ حادثه‌ای بیان نمی‌کنند. جز در چند جای انگشت شمار که برای توجه دادن به اهمیت رویداد یا وضع ویژه‌ای تاریخ آن را بازگو می‌کند.

از سوی دیگر، جداً ممکن است نوستر آداموس، کتابهای مسلمانان (چه آنها که به ما رسیده و چه آنها که نرسیده) را در زمینه پیشگوییها و «ملاحم» که در احادیث نبوی فراوان هستند؛ دیده باشد. این روایات درباره آینده هستند. ممکن است او آنچه می‌خواسته از روی این روایات نوشته باشد.

خطوط کلی کتاب نوستر آداموس

کتاب (قرون) هر چند مجموعه بزرگی از پیشگوییها است که مدتی در حدود ۴۵۰ سال را از پیش بینیها و آینده نگریهای نوستر آداموس برای جهان را تشکیل می‌دهد، ولی ما نمی‌توانیم خط کلی یا رشته اصلی بیشتر این پیشگوییها را بیابیم نوستر آداموس از یک سو فرانسوی، و از سوی دیگر مسیحی کاتولیک بوده است. به همین دلیل بیشتر پیشگوییهای او درباره فرانسه و کلیسای کاتولیک و مقام پاپ است که آنها را ستون فقرات

تمدن غرب و عظمت آن می‌داند. بسیار بر قلمرو کلیسای کاتولیک مانند اسپانیا و ایتالیا تأکید دارد و این بر زمینه فکری او درباره آینده ریشه دار شده بود و به این ترتیب خط کلی بیشتر نوشته‌های او را تشکیل می‌دهند. او سال ۱۹۷۴ را آغاز دوران جدیدی می‌شمارد و در نامه خود به پادشاه فرانسه هنری دوم به اهمیت این سال اشاره می‌کند، در این سال، جمهوری فرانسه اعلام شد که خود پایانی برای حاکمیت کلیسای کاتولیک و مسیحیت به طور کلی در جهان غرب است، این یکی از پیشگوییهای اوست که عملی شده، و در ردیف اندک پیشگوییهای است که در آن تاریخ دقیق حادثه را معین می‌کند. و چنانکه می‌بینید، نشان دهنده توجه ویژه او به فرانسه و کلیسا است.

حادثه دومی که در آن تاریخ معینی را ذکر می‌کند، و دنباله یا ادامه همان خط مذکور است، نکته‌ای است که در نامه خود به پسرش سزار می‌آورد و در آن به نویسنده فرانسوی (ژان ژاک روسو) اشاره می‌کند، و می‌نویسد: «آن گونه که نشانه‌های آسمانی گویاست دوران طلایی، پس از اندک زمانی به آشوب می‌گراید و همه چیز، زیر و رو می‌شود و درست ۱۷۷ سال و سه ماه و یازده روز پس از نوشتن این سطور، این آشوبها رخ می‌دهد و اندیشه‌ها را فاسد و اخلاق را تباہ می‌کند و جنگها و گرسنگیهای طولانی به دنبال می‌آورد...».

او این نامه را در ماه مارس سال ۱۵۵۵ می‌نویسد، چنانکه از تاریخ زیر آن پیداست، و اگر سالهایی را که شمرده به آنها بیفزاییم، می‌شود سال ۱۷۳۲، که سال رسیدن [ژان ژاک روسو = Rousseau] به پاریس است.

روسو، همان پردازنده نظریه معروف «قراردادهای اجتماعی» است که تا اندازه بسیاری پایه و فلسفه نظام دولتهای اروپایی نوین را تشکیل می‌دهد. نوشته‌ها و اندیشه‌های او تأثیر گسترده و ژرفی بر دولتهای جهان غرب در زمینه‌های سیاست، جامعه و آموزش و پرورش داشته، تا آنجا که اصول و افکار مطرح شده در کتاب «امیل» تا به امروز پایه اصلی برنامه تربیتی موجود در مدارس کشورهای اروپایی و ساختار اصلی آن را تشکیل می‌دهد. او همچنین فیلسوف و الهام بخش انقلاب فرانسه است. نوستر آداموس او را بنیانگذار اندیشه انقلابی و الحادی می‌داند. روسو در سال ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد و در فقر و بدبختی زیست، و مهمترین کتابهایش را که الهام بخش جهان غرب گردید، در پنجاه سالگی نوشت و در سال ۱۷۷۸، در تنهایی و بدترین نوع فقر و تنگدستی در گذشت.

نوستر آداموس این دگرگونیها را پیش بینی می‌کند و آغاز آنها را از مرحله پیدایش روسو در انقلاب فرانسه در صحنه تاریخ و پایان آن را آخر قرن بیستم و در نیمه دوم سال ۱۹۹۹ می‌داند. (این آخرین تاریخی است که دقیقا آن را آورده است) و آن را پایان بخش عملی قدرت کلیسا و پاپ و حاکمیت غرب می‌داند، و پس از آن دوران طلایی می‌رسد که آن را در نامه‌اش به پسر خود، در همان متن نام می‌برد، و حدود آن در بخش پیشگوییهای او درباره آینده این قرن بیشتر روشن خواهد شد.

همچنین او معتقد است که تاریخ تمدن غرب و مسیحیت، به سختی با تاریخ بنی اسرائیل و فلسطین مربوط است که زادگاه حضرت مسیح صلی الله علیه و آله نقطه آغاز مسیحیت بشمار می‌رود.

جهان اسلام و عرب، بزرگترین اهمیت، و قاطعانه‌ترین جایگاه را در پیشگوییهای او دارند، نام مسلمانان را به صورتهای مختلف، گاه به نام اقوام و ملت‌های گوناگون آنها و گاه به نام کشورها و مناطق حضور آنها و گاه به نام اندلسیها [Moors] و بربرها (منسوب به ساحل بربر که ساحل شمالی آفریقا به ویژه در منطقه مراکش و تونس و الجزایر است) و اعراب، ایرانیان، اسماعیلیان و محمدیان، یا گاه با واژه‌های فاس و الجزایر و کارتاژ (قرطاجه) و عراق و فلسطین... می‌آورد. این نامگذاریها، دست کم در (۱۱۰) دو بیتتی از دو بیتتیهای کتاب یعنی بیش از یک‌چهارم از همه پیشگوییها آمده است.

چاپهای کهن این کتاب

چاپهای قدیمی کتاب «قرنها» نوشته نوستر آداموس در کتابخانه‌های موزه‌های اروپا به فراوانی وجود دارد، به عنوان نمونه چند تای آنها در کتابخانه موزه بریتانیا هست که کهن‌ترین نسخه‌ای که در این موزه می‌توان یافت، در سال ۱۵۸۹ در فرانسه چاپ شده و شماره آن (1606/324) و دیگری چاپ فرانسه در سال ۱۶۵۰ و به شماره (2. 1481-de) و نسخه سومی چاپ ۱۶۶۸ به شماره (20009.d.20) دیده می‌شود. قدیمی‌ترین ترجمه این کتاب به زبان انگلیسی در سال ۱۶۷۲ انجام گرفته و در لندن به شماره (718.l.16) چاپ شده و پزشکی به نام [ثیوفلس دی گارنسیرز = *The philus de Garencieres*] آن را ترجمه کرده و بر آن پاورقی نگاشته است. شاید علت آنکه پزشکان به این کتاب توجه داشته‌اند و بر آن پاورقی می‌نویسند (من نویسنده نیز پزشک هستم) به این سبب باشد که

طبیعت کار پزشک، پرداختن همیشگی به تفسیر پدیده‌ها و نشانها و درمان باشد، و پیامد این تأثیرات او را ناگزیر می‌سازد که همواره در جهانی نزدیک به جهان نوستر آداموس و مانند او به سر برد (نباید فراموش کنیم که نوستر آداموس هم خود، یک پزشک بوده است).

شیوه بررسی در این کتاب

من گزیده‌ای از کتاب او را در اینجا آورده‌ام، زیرا همه دو بیتیهایی کتاب، ۹۴۲ عدد هستند. و من تنها شمار اندکی از آنها را که نمونه‌ای برای بقیه هستند در این آورده‌ام. مثلاً از پیشگوییهایی که به ناپلئون بناپارت مربوط می‌شدند، و تعداد آنها دست کم پنجاه دو بیتی بوده، من تنها نه دو بیتی را آورده‌ام و بقیه را رها کرده‌ام، زیرا در آنها بسیاری از جزئیات و چیزهای خرد و ریز آمده که من بیم داشتم برای خواننده خسته کننده باشد. برخی از رباعیات او چند پهلو بود، یا بر هیچ یک از حوادث قابل پیاده شدن نبود. من آنها را رها کردم، و آنچه را که معنای روشنی داشت آوردم. برخی مربوط به حوادث کم اهمیتی بود که در اروپا رخ داده بودند، و به زمانهای بسیار دور مربوط می‌شدند و برای خوانندگان اهمیتی نداشتند.

من تنها پیشگوییهایی را آوردم که به واقعیت پیوسته و همه جهان شاهد روی دادن آنها بوده‌اند و از آنها می‌توان به راستگویی این مرد درباره حوادث آینده پی برد هنگامی که هدف خود را عملی کردم، به بیان پیشگوییهای او درباره آینده قرن بیستم و حوادثی که ممکن است در آینده رخ بدهد؛ پرداختم و در آنجا نیز همان شیوه جهشی را دنبال کردم،

و بسیاری از دو بیتیهایی که مربوط به رخداد‌های جزئی دربارهٔ کشورها و شهرهای اروپا در سالهای باقیماندهٔ این قرن بوده، نادیده گرفتم و به آنها نپرداختم و تنها به برخی از آنها که همان دولتها و مناطق را در بر می‌گیرد؛ توجه کردم و در پی آن، شرح و تفسیری لازم را برای متن گفتار او آوردم، زیرا، نظر من بیان چکیده‌ای از حوادث تاریخی برای فهم آنچه او آورده، لازم بود، تا فضای لازم را برای ما پدید آورد. در این کار کوشیدم میانه رو باشم و به هنگام آوردن نام برخی شهرها به ویژه آنها که تاریخی طولانی دارند، نه بسیار کوتاه و نه بسیار طولانی سخن بگویم. تنها به این بسنده نکنم که بگویم فلان شهر در فلان کشور است، بلکه چند کلمه دربارهٔ آن بنویسم.

در ترجمهٔ متن اصلی، دقت بسیار به کار بردم، و ترجمه‌های گوناگون انگلیسی آن را در برابر خود نهادم، تا به جای نادرستی و ناهماهنگی آنها بی‌برم، و اگر چیزی دیدم به اصل کلمات لاتینی یا یونانی که او به کار برده مراجعه کردم تا بتوانم به فهم درست آن برسیم. اگر دیدم که این ناهماهنگی را نمی‌توانم از میان ببرم، اصلاً از ترجمه متن خودداری کردم، و تنها چیزی را آوردم که به درستی آن مطمئن بودم.

یکی از روشهای نوستر آداموس، در پیچیده نویسی و مبهم کردن معنی، این بوده که نام شهر یا روستای کوچکی را می‌آورد، تا به کشوری بزرگ یا منطقه‌ای گسترده اشاره کند، یا نامهای بسیار کهنی را می‌آورد که در گذشته این مناطق یا کشورها به آن نامها مشهور بوده‌اند. من یا خود شهر را در ترجمه می‌آورم یا در شرح جایگاه آن را بیان کرده‌ام، یا در

ترجمه نام کشور را می آورم و در شرح، عین آنچه را در متن آمده و عبارت و جمله ویژه آن را بیان کرده‌ام.

شیوه من این بوده که ترجمه دو بیت را می آورم و جای آن را در کتاب «قرنها» می گویم و شماره آن را از پی می آورم. مثلاً در پائین دوبیتی عبارت (هفتم - ۱۳) را می آورم که، نشانه دو بیت ۱۳ از قرن هشتم است، سپس به معنی و تفسیر آن می پردازم.

تاریخ

در صفحات آینده بخشی از پیشگوییهای نوستر آداموس را که در صفحات تاریخ وقوع آنها ثبت شده و معنای آن برای ما روشن شده می آورم، تا اندازه درستی پیش بینها و آینده نگریهای این مرد را روشن سازم. او در قرن شانزدهم این حوادث را می دیده و می نوشته است. و ما می بینیم که پیوستگی تاریخی اینها در اینجا رعایت شده با آنکه در اصل کتاب (قرنها) اینها پراکنده و بریده بریده و درهم و بی هیچ ترتیبی آمده است. ما به جای هر دوبیتی و موقعیت آن در کتاب اصلی اشاره کرده ایم.